



شورای نظامی در جهت جلب حمایت مردم، کمیته‌ای جهت اصلاح قانون اساسی به ریاست دکتر طارق البشیری یکی از رهبران معارضة تشکیل داد که این کمیته بعد از جلسات متعدد، تغییراتی را در ۸ بند قانون اساسی به خصوص بندهای مربوط به ریاست جمهوری، قوانین انتخاب رییس جمهور و شرایط کاندیداها، مدت ریاست جمهوری و... انجام داد که این تغییرات در مارس ۲۰۱۱ (۱۳۸۹/۱۲/۲۸) به تصویب حدود ۷۶/۵ درصد از شرکت کنندگان رسید. در این نظر سنجی حدود ۱۸/۵۳۷/۰۰۰ میلیون نفر از ۴۵ میلیون صاحب رای (حدود ۴۱/۱ درصد) شرکت داشتند که حدود ۱۴/۱ میلیون (۷۶/۵ درصد) به آن رای مثبت دادند.

موارد تغییر یافته در قانون عبارت بودند از: ماده ۷۵ در مورد شرایط کاندیدای ریاست جمهوری، ماده ۷۶ در مورد چگونگی انتخاب رییس جمهور و تبدیل آن از نظر سنجی به انتخابات، ماده ۷۷ در مورد دوره ریاست جمهوری و تقلیل آن از شش سال به چهار سال و از انتخاب متعدد به محدودیت ۲ بار انتخاب متوالی، ماده ۸۸ در مورد شرایط اعضای مجلس شعب، ماده ۸۹ در مورد انتخابات مجلس شورا، ماده ۱۳۹ در مورد تعیین معاون رییس جمهور، ماده ۱۴۸ در مورد حدود وظایف رییس جمهور، ماده ۱۷۹ (کاملاً حذف شد) و ماده ۱۸۹ در مورد چگونگی درخواست تعدیل قانون اساسی.

با این تعدیلات به عمل آمده و باز شدن فضای انتخابات، اولین دوره انتخابات ریاست جمهوری در تاریخ ۳ و ۴ خرداد ۱۳۹۲ در مصر برگزار شد که در آن نامزدهای معرفی همچون عمرو موسی و وزیر خارجه اسبق، حمدین صباحی نامزد ملی گرا، عبد المنعم عبد الفتوح نامزد مستقل، محمد مرسی نامزد اخوان المسلمین و احمد شفیق فرمانده نیروی هوایی مبارک و کاندیدای غرب گرا شرکت داشتند که در مرحله اول محمد مرسی با کسب ۲۴/۹ درصد و احمد شفیق با ۲۴/۵ درصد آراء به مرحله دوم راه یافتند. آرای مابقی کاندیداها هم بدین شرح بود: حمدین صباحی ۲۱/۱ درصد، عبد المنعم ۱۷/۸ درصد و عمرو موسی ۱۱/۳ درصد.

در مرحله دوم نیز که در ۲۷ و ۲۸ خرداد ۱۳۸۹ برگزار شد و حدود ۵۰ درصد مردم در آن شرکت داشتند محمد مرسی ۵۲ درصد و احمد شفیق ۴۸ درصد آراء را کسب کردند و بدین ترتیب محمد مرسی به عنوان اولین رییس جمهور منتخب در طول چند قرن در مصر، از سوی مردم به این مقام برگزیده شد. نکته جالب در مورد این دوره از انتخابات این بود که چون در اثر خیزش مردمی فقط مبارک به عنوان راس هرم و سر نظام از صحنه خارج و بدنه اصلی و از جمله قوه قضاییه و نیروهای امنیتی و ارتش به همان حالت و چارچوب سابق باقیمانده بودند، لذا شاهد بودیم که قوه قضاییه مصر، خیرت الشاطر کاندیدای اول و نامزد اصلی اخوان المسلمین را به علت محرومیت از حقوق اجتماعی - به جهت اقدامات انقلابی در زمان مبارک!! - از حضور در صحنه انتخابات محروم نمود. همچنین عمر سلیمان رییس سازمان اطلاعاتی مصر که به همان دلیل بقای بدنه نظام سابق اجازه ورود به انتخابات را پیدا کرده بود، نیز به دلیل عدم جمع آوری تعداد امضای لازم، از انتخابات کنار گذاشته شد و لذا محمد مرسی به عنوان کاندیدای دوم و علی البدل اخوان به رقابت با احمد شفیق پرداخت و علیرغم اینکه بسیاری از مردم فقط بخاطر مخالفت با شفیق و نه موافقت با مرسی، به او رای دادند، توانست برای شکستنده و اختلاف اندک ۴ درصد شفیق را شکست داده و به عنوان رییس جمهور مصر انتخاب شد. به هر حال با پیروزی مرسی در انتخابات و سپس تشکیل مجلس که طبعاً صیغه و رنگ اسلامی و به ویژه اخوانی داشت، قانون اساسی جدیدی برای مصر تهیه شد که دارای ۵ باب و ۲۳۶ ماده بود. این قانون معروف به قانون ۲۰۱۳ در نظر سنجی انجام شده توانست ۶۲/۶ درصد آرای مثبت را به دست آورد. (تعداد افراد دارای حق رای ۵۱/۹۱۹/۰۰۰ میلیون نفر و تعداد شرکت کنندگان ۱۷/۰۵۸/۰۰۰ - حدود ۳۲/۸ درصد - بودند که حدود ۱۰/۶۹۳/۰۰۰ میلیون نفر - ۶۲/۶ درصد به آن رای مثبت دادند).

در طول یکسال ریاست جمهوری مرسی، به دلایل متعدد داخلی و خارجی اعم از احتکار قدرت توسط اخوان و عدم مشارکت دادن سایر گروه‌ها و احزاب مصری در حکومت که باعث افزایش و گسترش مخالفت‌ها شد، افزایش مشکلات اقتصادی، سیاسی و امنیتی و نیز حوادث منطقه‌ای به ویژه بحران سوریه و تأثیر آن بر مصر، برخی تصمیمات و اقدامات دولت‌های بزرگ منطقه‌ای و عربی و... میزان ناراضی‌های جامعه مصری افزایش یافته که در نتیجه باعث یک حرکت وسیع مردمی و دخالت ارتش در ۳۰ ژوئیه ۲۰۱۴ (۹ تیر ۱۳۹۲) شد که منجر به سرنگونی و زندانی شدن محمد مرسی، تعلیق قانون اساسی و تشکیل حکومت موقت، از طرف نظامیان و به ویژه ژنرال عبد الفتاح السیسی وزیر دفاع، به ریاست قاضی عدلی منصور شد. (در مورد این حرکت و تفسیر آن به یک کودتا از سوی ارتش یا کمک برخی دولت‌های بزرگ منطقه و یا استمرار انقلاب مردمی، بحث‌های فراوانی وجود دارد که خود مقال و زمان دیگری را طلب می‌کند).

این حاکمیت قول داد که در یک فرصت چند ماهه وضعیت را سروسامان دهد و لذا نقشه راهی را برای آینده ترسیم نمود که گام اول آن تغییر قانون اساسی و تهیه یک قانون جدید بود که جهت این کار یک کمیته ۵۰ نفره به ریاست عمرو موسی وزیر خارجه اسبق این کشور تشکیل و طی چند ماه یک قانون جدید تهیه و در نیمه دسامبر ۲۰۱۴ به رییس جمهور تحویل و طبق نقشه راه تعیین شده در ۱۴ و ۱۵ ژانویه ۲۰۱۴ به نظر سنجی عمومی گذاشته شد که بارای بالای ۹۸ درصد به تصویب رسید.

نکته مهم در این مورد، در نظر گرفتن فضای سیاسی - اجتماعی مصر در زمان نگارش و تصویب این قانون است که اهم تمایزات آن شکست حکومت اسلام گرایان و عدم موفقیت ایشان؛ تبلیغات وسیع در اعلام ناکارآمدی و عدم قدرت آنان در حکومت داری، اعلام تروریست بودن گروه اخوان از سوی دولت مصر و افزایش فشارها و دستگیری‌ها و سرکوب تظاهرات مخالفین و در مقابل نقش کاریماتیک ارتش به عنوان یک نهاد حکومتی در مصر - حداقل از سال ۱۹۵۲ و کودتای افسران آزاد - و مقاومت ارتش مصر در مقابل اشغالگران و مبارزات ارتش در مقابل رژیم صهیونیستی می‌باشد که باعث شد هم در کمیته ۵۰ نفره، تعداد اسلام گرایان در مقابل ملی گرایان و قومی گرایان به شدت ناچیز و کم اثر باشد و هم در قانون اساسی جدید، سهم و نقش نظامیان نسبت به سابق زیادت و بیشتر گردد.

البته تصویب این قانون همراه با آرامش نبوده و بلکه اعتراضات وسیع و گسترده معارضة به خصوص اخوان و هواداران آن و در مقابل افزایش خشونت و بکارگیری قوه قهریه از سوی

حاکمیت، تعداد زیادی کشته و زخمی به جا گذاشت، ضمن اینکه مشارکت در این همه پرسی از سوی اخوان و برخی احزاب همسو تحریم شده بود.

قبل از ورود به متن قانون ۲۰۱۴ و بررسی برخی بندهای آن و تفاوت‌هایش با قانون ۲۰۱۲، نگاهی آماری به این قوانین اساسی خواهیم داشت:

تعداد ثبت نام شدگان در جدول‌های مربوط به همه پرسی قانون جدید ۵۳/۴۲۳/۴۸۵ نفر و تعداد شرکت کنندگان ۶۷۷/۶۱۳/۲۰ نفر بوده‌اند (یعنی حدود ۳۸/۶ درصد) که از این میان ۱۹/۹۸۵/۳۸۵ نفر رای مثبت داده‌اند (حدود ۹۸/۱ درصد) و تعداد آرای منفی هم ۳۸۱/۳۴۱ بوده است.

در خارج از کشور هم از ۶۸۱/۳۴۶ نفر، ۱۰۷/۰۴۱ نفر (حدود ۱۵/۷ درصد) در نظر سنجی شرکت نمودند.

البته با توجه به انتظار و توقع دست اندرکاران حکومت مصر در مشارکت بالای ۵۰ تا ۷۰ درصد، نسبت مشارکت پایین بود و نکته جالب اینکه طبق آمار، نسبت بالایی از شرکت کنندگان در نظر سنجی، عمری بالای ۳۵ سال داشتند، یعنی رده عمری فعال در انقلاب مصر (زیر ۳۵ سال) عدم مشارکت را ترجیح دادند و بدین گونه عدم پذیرش سیاست‌های دولت فعلی را بطور عملی و صریح نشان دادند و اکثر کسانی که در نظر سنجی شرکت نمودند گروه‌های دور از نسل انقلابی ۲۵ فوریه، چه از نظر سنی و چه از نظر خواسته‌های سیاسی بودند و "استقرار و ثبات" دلیل اصلی بیشترین افرادی بود که در نظر سنجی شرکت داشتند.

برخی از دلایل کاهش حضور مردم به نسبت توقع مورد انتظار رami توان به شرح زیر برشمرد:

تحریم نظر سنجی از سوی برخی احزاب و گروه‌ها از جمله اخوان و احزاب همسو.

رویکردانی اغلب قابل توجهی از مردم از سیاست به خاطر ناامیدی از صحنه سیاسی مصر.

احساس ناامنی برخی از مردم از حضور در نظر سنجی با توجه به حوادث خون بار مصر.

احساس اینکه نتیجه نظر سنجی از قبل مشخص بوده و رقابتی در کار نیست.

نقش منفی و وسایل خبری از طریق مبالغه در حضور زیاد مردمی در نظر سنجی.

حضور برخی از چهره‌های منفور زمان مبارک در دعوت از مردم به حضور در انتخابات که عکس العمل منفی مردم را در پی داشت. اقدامات سرکوب گرانه سلطه و حاکمیت موقت نسبت به تظاهر کنندگان و دانشجویان و مردم و افزایش دستگیری‌ها